

طراحی مدل تعالی حکمرانی مطلوب در دیوان محاسبات کشور (مطالعه کیفی با روش نیمه ساختاریافته و تحلیل مضمون)

سید احمد رضا دستغیب^۱سمانه سلیمی بازنشینی^۲

چکیده:

حکمرانی مطلوب، مهم‌ترین عامل توسعه و پیشرفت و اولین و پایه‌ای‌ترین نیاز هر کشور می‌باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر، طراحی مدل تعالی حکمرانی مطلوب در دیوان محاسبات کشور است. پژوهش حاضر با رویکرد استقرایی و مبتنی بر روش توصیفی - اکتشافی انجام شده است. جامعه آماری شامل نخبگان و خبرگان دیوان محاسبات کشور هستند و برای رسیدن نمونه آماری تا مرحله اشباع نظری تعداد ۲۰ نفر به روش هدفمند و گلوله برفی انتخاب شده‌اند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مطالعات اکتشافی و مصاحبه نیمه ساختاریافته و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون (تم) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد مدل تعالی حکمرانی مطلوب شامل ۲ بعد (عوامل زمینه‌ای و عوامل محتوایی)، ۵ مؤلفه (عوامل آرمان‌گرا، عوامل فرهنگی، عوامل قانون‌گرا، عوامل بازدارنده، عوامل انسان‌گرا) و ۲۰ شاخص (ساختار سازمان، چشم‌انداز سازمان، اهداف کلان، راهبرد، فرهنگ سازمانی، ارزش‌ها و اصول بنیادین فرهنگی، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، ضابطه‌مندی، تنقیح قوانین و مقررات، شفافیت، انضباط مالی، کنترل داخلی، کنترل فساد، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، عدالت اجتماعی، مشارکت، اعتماد آفرینی، شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری) است.

واژگان کلیدی: حکمرانی مطلوب، شفافیت، انضباط مالی، دیوان محاسبات کشور، رویکرد اکتشافی

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه و رئیس کل دیوان محاسبات کشور

۲. دکتری مدیریت دولتی (گرایش منابع انسانی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران، نویسنده

مسئول، ایمیل: samanehsalimi1980@gmail.com

مقدمه

از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه کشورها، حکمرانی مطلوب است. چنان‌که حکمرانی مطلوب را بنیان توسعه بیان کرده‌اند (وايز و همکاران، ۲۰۲۰). حکمرانی مطلوب، سازوکارها و فرایندهایی است که به واسطه آن‌ها، شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند، حقوق قانونی خود را به اجرا در می‌آورند و تعهدات خود را برآورده می‌سازند. بنابر تعاریفی که از حکمرانی مطلوب ارائه شده است موضوع محوری حکمرانی مطلوب، چگونگی دست‌یافتن به حکومتی است که بتواند عامل توسعه اقتصادی مردم‌سالار و برابرخواهانه باشد (فالی و همکاران، ۲۰۱۸). از دیدگاه بانک جهانی به عنوان پایه‌گذار مفهوم حکمرانی مطلوب، این واژه ترکیبی از بهترین مدیریت‌های سیاسی، اقتصادی و اجرایی منابع هر کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. در واقع حکمرانی مطلوب، چارچوبی است که به مسئله کیفیت حکمرانی توجه دارد. در این چارچوب، نهادها و گروه‌های ذینفع اقتصادی و اجتماعی می‌توانند راهکارها و خواسته‌های مشروع و قانونی خود را در حکمرانی به کار برند (بانک جهانی، ۲۰۲۰). حکمرانی مطلوب، مبتنی بر فرآیندها، سیستم‌ها، رویه‌ها و مقرراتی است که سازمان را برای دستیابی به اهداف خود با افزایش اثربخشی و کارایی هدایت می‌کند (آینی و همکاران، ۲۰۲۲). سازمان‌هایی که حکمرانی مطلوب را اجرا می‌کنند، می‌توانند خطر تصمیم‌گیری ضعیف را به حداقل برسانند و بر بهبود عملکرد کارکنان تأثیر بگذارند (آینی و همکاران، ۲۰۲۲).

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و دغدغه‌هایی که صاحب‌نظران علوم اجتماعی، نخبگان و دولتمردان سیاسی کشورهای در حال توسعه با آن مواجه می‌باشند، بحث توسعه و توسعه‌نیافتگی است. این توسعه‌نیافتگی، مشکلات فراوانی نظیر فقر، نابرابری، تبعیض، فساد، تخصیص نادرست منابع انسانی و مادی، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، نرخ تورم بالا و غیره را به دنبال دارد (پیغان و همکاران، ۱۴۰۲). توسعه جامعه جهانی، بدون حکمرانی درست در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و آموزشی در سطوح مختلف جامعه، ادارات و سازمان‌ها ممکن نخواهد بود (براتلو، ۱۴۰۱). از میان رویکردهای مختلف، رویکرد حکمرانی مطلوب به عنوان یکی از رویکردهای نوین به توسعه از اهمیت زیادی برخوردار است تا آن‌جا که نهادهای مالی بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی وجود این رویکرد را برای توسعه جوامع در حال توسعه بسیار ضروری و حیاتی می‌دانند (پیغان و همکاران، ۱۴۰۱).

در نظام سیاسی ایران، دیوان محاسبات کشور با توجه به جایگاه قانونی و رسالت خود به عنوان نهاد تخصصی و فنی، ناظر بر چگونگی دخل و خرج دولت می‌تواند نقش مؤثری در تحقق حکمرانی مطلوب ایفا کند. این نهاد به عنوان عالی‌ترین نهاد نظارتی مالی بر بخش عمومی، سازمانی قانون‌بنیان، پایشان، قاطع، مقتدر، تسهیل‌گر، هدایت‌گر، فناور مردم‌ناظر و فسادستیز است که در راستای پاسداری از بیت‌المال، با نقش‌آفرینی فعال در نظام تصمیم‌سازی کشور و

1. Wise et al
2. Foly et al
3. Aini et al

نظارت مستمر مالی همه جانبه و اثربخش، موجبات جلب اعتماد عمومی و سلامت مالی در تراز انقلاب اسلامی را از طریق استقرار نظام شفافیت و انضباط مالی در مدیریت مالیه عمومی کشور فراهم می‌سازد. نظر به اینکه شعار دیوان محاسبات کشور، شفافیت و انضباط مالی است و از آن جایی که مسئولیت پاسخگویی جزء جدایی‌ناپذیر نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری محسوب می‌شود و دیوان محاسبات کشور در راستای ایفای وظایف خود، نسبت به عموم مردم پاسخگو است و همچنین این نهاد نظارتی، پاسدار حاکمیت قانون در امور مالیه عمومی است و از طریق نظارت بر قانونمند بودن هزینه‌کرد اعتبارات توسط دستگاه‌های اجرایی به این مهم مشغول است، مشخص گردید که دیوان محاسبات کشور در کالبد خود، نوعی حکمرانی مطلوب را داشته باشد اما به صورت نظام‌مند تبلور عمومی نداشته است.

مسئله‌ای که در ارتباط با حکمرانی مطلوب در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است را می‌توان با بررسی این شکاف نظری مطرح کرد که مدل‌های حکمرانی متعددی در ادبیات موضوع بیان و استخراج شده‌اند که به برخی از آن‌ها در بخش پیشینه پژوهش اشاره شده است، با مطالعه آن‌ها به نظر می‌رسد این مورد ملموس باشد که در مدل‌های طراحی شده در پیشینه پژوهش (بانک جهانی (۱۹۸۹)، ویس (۲۰۰۰)، هاتر و شاه (۲۰۱۰)، سازمان ملل (۲۰۱۰)، تان و استایفل (۲۰۱۲)، تان (۲۰۱۲)، جوبیز (۲۰۱۴)، بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)، بانک جهانی (۲۰۲۰)، حندیو (۲۰۲۳)، سهرابی و همکاران (۱۴۰۲)، پیغان و همکاران (۱۴۰۱))، به نقش عوامل زمینه‌ای (بافتاری) (شامل ساختار سازمانی، چشم‌انداز، راهبرد، اهداف کلان، ارزش‌ها و اصول بنیادین و فرهنگ سازمانی) و همچنین به نقش مؤلفه‌های عدالت و مبارزه با فساد توجه کافی نشده است و مدل جامعی از حکمرانی مطلوب ارائه نشده است، بنابراین اجرای این تحقیق در جهت پر کردن شکاف نظری در رابطه با مدل حکمرانی مطلوب دارای اهمیت خواهد بود و ضرورت علمی تحقیق محسوب می‌شود.

با عنایت به اینکه دیوان محاسبات کشور بر اساس قانون اساسی، نهاد نظارتی مالی است که به منظور صیانت از بیت‌المال با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و اصول حرفه‌ای و با بهره‌گیری از سرمایه انسانی کارآمد و فناوری‌های نوین از طریق حسابرسی، تفریغ بودجه و رسیدگی بر بخش عمومی اعمال کنترل و نظارت مستمر مالی می‌کند و با توجه به اینکه توسعه شفافیت، انضباط مالی، گره‌گشایی، پیشگیری و مقابله با فساد از اهداف بلندمدت دیوان محاسبات کشور می‌باشد، در این راستا تدوین مدل حکمرانی مطلوب می‌تواند این نهاد نظارتی مهم را در پیشبرد اهداف خود یاری رساند. این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤالات می‌باشد: ابعاد و مؤلفه‌های مدل تعالی حکمرانی مطلوب کدامند؟ مدل تعالی حکمرانی مطلوب چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق حکمرانی مطلوب

یکی از مباحث بسیار مهم که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده موضوع حکمرانی است (وایز و همکاران، ۲۰۲۰). برخی صاحب‌نظران در حوزه حکمرانی برای تبیین ماهیت این مفهوم، مباحث خودشان را از نظریه ماکس وبر شروع کرده‌اند (بویر^۱، ۲۰۱۲؛ هیل و لین^۲، ۲۰۰۵؛ جوسپ^۳، ۲۰۰۲). وبر، در نظریه سلطه بر این باور است که ستون اصلی در جامعه و هر نظم و تمدنی، روابط اقتدار است. موضوع اصلی وبر که آغاز نظریه پردازی‌های حکمرانی کنونی بوده است، پایداری روابط اقتدار در جامعه است که با تدقیق هرچه بیشتر آن می‌توان به فهم عمیق‌تری از ماهیت مفهوم حکمرانی دست یافت (تامپسون^۴، ۲۰۱۰؛ میلمن^۵، ۲۰۰۸). بنابراین ریشه و ماهیت اصلی مفهوم حکمرانی را به‌طور خلاصه می‌توان در «روابط اقتدار و نحوه چینش این روابط در بین حاکم و محکوم» پیدا کرد.

واژه حکمرانی یکی از کهن‌ترین واژه‌ها در مطالعه علم سیاست است. واکاوی مفهوم حکمرانی نشان از گستردگی مفهومی آن دارد به گونه‌ای که همه نوع شکل‌های حکمرانی نظیر حکمرانی شرکتی، محلی، ملی (دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی) و بین‌المللی را شامل می‌شود (توکلی و همکاران، ۱۳۹۹). در عمومی‌ترین استفاده، حکمران، بر حرکت از رویکرد قبلی به نام حکومت (رویکرد قانونگذاری بالا به پایین که به دنبال تنظیم رفتار افراد و نهادها به شکل مشخص و کاملاً جزئی است) به سمت حکمرانی (رویکردی که تلاش می‌کند عوامل سامانه را به گونه‌ای تنظیم کند که افراد و نهادها در درون آن عمل کنند و در نتیجه خودتنظیمی به وجود آید و سامانه به نتایج مورد نظر دست یابد)، با جایگزینی «اعمال قدرت بر» با «واگذاری قدرت به» تأکید می‌کند (لیال و تایت^۶، ۲۰۰۵).

مطالعات توسعه و آمارهای سازمان‌های جهانی بیانگر آن است که از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه کشورها، حکمرانی مطلوب است (وایز و همکاران، ۲۰۲۰). حکمرانی مطلوب، به فرآیند مدیریت عمومی اشاره دارد که رفاه مردم و منافع جامعه را به حداکثر می‌رساند. یکی از ویژگی‌های اساسی آن، نوعی از مدیریت مشارکتی است که توسط دولت و شهروندان انجام می‌شود و یک رابطه جدید بین دولت سیاسی و جامعه مدنی و همچنین وضعیت مطلوب آن دو است (کپینگ^۷، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر، الگویی در جهت اصلاح بخش عمومی، تقویت جامعه مدنی و تسریع مشارکت بخش خصوصی می‌باشد (هوپر^۸، ۲۰۱۷). حکمرانی بر تغییر در توازن قدیمی میان

1. Bevir
2. Hill & Lynn
3. Jessop
4. Thompson
5. Meuleman
6. Lyall & Tait
7. Keping
8. Hopper

دولت و جامعه مدنی استوار است؛ شیوه حکمرانی نشان می‌دهد به همان نحو که ساختارهای رسمی دولت، یکی از ابزارهای اتخاذ و اجرای تصمیمات است، در سطح ملی نیز ساختارهای غیررسمی ممکن است وجود داشته باشند (اسکریبانو و همکاران، ۲۰۲۰). چشم‌انداز حکمرانی، مدعی است که بخش خصوصی و جامعه مدنی به واسطه میزان و حوزه نقش‌شان در حل مسائل جمعی، بدون تکیه بر منابع رسمی دولت مشخص می‌شوند (اومری و مابروک، ۲۰۲۰). در حکمرانی مطلوب، بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد، شراکت موجود سبب می‌شود که از امور عمومی به شکل صحیح‌تر و بهینه‌تری بهره‌برداری شود. وجود ارتباط صحیح بین سه رکن یاد شده زمینه را برای تحقق حکمرانی مطلوب در ابعاد مختلف میسر می‌سازد. در حکمرانی مطلوب این سه رکن به عنوان عناصر اصلی محسوب می‌شود (رزمی و همکاران، ۱۳۹۱). حکمرانی مطلوب، در واقع یک گفتمان نوینی در اعمال حکمرانی به حساب می‌آید که با تلفیق مؤلفه‌های خاص، حکمرانی ایده‌آل را توصیف می‌کند. تبیین اندیشه حکمرانی مطلوب را می‌توان به عنوان الگوی نوینی برای اداره کشور به حساب آورد این خود باعث شکل‌گیری گفتمان و مدل جدیدی برای مملکت‌داری می‌شود. لازم به یادآوری است که حکمرانی مطلوب بین سه رکن اصلی آن یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی یک تعامل دوسویه و متقابل وجود دارد. فعالیت تعاملی بین این سه بخش، نقش پیش‌برندگی، تسهیل‌کنندگی را ایفا و بسترهای لازم برای تحقق حکمرانی مطلوب فراهم می‌کند (امامی و شاکری، ۱۳۹۵).

حکمرانی مطلوب، به حکمرانی بر اساس ارزش‌ها و اصول معینی اشاره دارد، در این راستا و به منظور ادراک اصول ناظر بر ساماندهی و اعمال مطلوب اقتدار و قدرت سیاسی، ضمن بازکاوی ادبیات موضوعی و گفتمانی مندرج در آثار علمی، دیدگاه‌های نهادهای بین‌المللی و پژوهشگران برجسته این حوزه در خصوص استلزامات ماهوی حکمرانی مطلوب به طور مبسوط در قالب جدول شماره (۱) مورد نگاشت، تجمیع، ترکیب و بازنمایی قرار گرفته است.

جدول ۱. نتایج مطالعات انجام شده در حوزه حکمرانی

ردیف	محققان	ابعاد/مؤلفه‌های حکمرانی
۱	بانک جهانی (۱۹۸۹)	پاسخگویی، کارآمدی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت نظارتی، ثبات و فقدان خشونت
۲	برنامه توسعه سازمان ملل (۱۹۹۷)	پاسخگویی، کارآمدی و اثربخشی، شفافیت، مشارکت، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری، اجماع محوری، انصاف، عمومیت
۳	صندوق بین‌المللی پول (۱۹۹۷)	حاکمیت قانون، کارآمدی، پاسخگویی، مبارزه با فساد، شفافیت
۴	ویس (۲۰۰۰)	پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، حاکمیت قانون، حقوق بشر، تفویض اختیار، قوانین غیرتبعیض‌آمیز، فرایندهای قضایی سریع، اثربخش و بی‌طرفانه
۵	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۰۰)	مشارکت، مساوی در برابر قانون، پاسخگویی، شفافیت، رضایت عمومی، برابری، مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی، دیدگاه استراتژیک

1. Scribano et al
2. Omri & Mabrouk

ردیف	محققان	ابعد/مؤلفه‌های حکمرانی
۶	کافمن (۲۰۰۳)	اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، جرم و تروریسم، کارآمدی حکومت، فقدان تحمیل قانونی، حاکمیت قانون، کنترل فساد
۷	هایدن و همکاران (۲۰۰۴)	پاسخگویی، کارآمدی، شفافیت، مشارکت، مقبولیت، انصاف
۸	بانک جهانی (۲۰۰۵)	حاکمیت قانون، حق اظهار نظر و پاسخگویی، کارایی و اثربخشی دولت در انجام وظایف محوله، ثبات سیاسی و عدم خشونت، بار مالی مقررات، کنترل فساد
۹	الهی (۲۰۰۵)	ابزارهای مشارکت، تساوی در برابر قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، توافق و رضایت، برابری، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی
۱۰	اتحادیه اروپا (۲۰۰۶)	پاسخگویی، کارآمدی و اثربخشی، شفافیت، مشارکت، انسجام
۱۱	بانک توسعه آفریقا (۲۰۰۸)	پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، مهار فساد، چارچوب حقوقی و قضایی توانمندساز
۱۲	راستین و ثورل (۲۰۰۸)	دموکراسی، حاکمیت قانون، اثربخشی و کارایی، بی‌طرفی
۱۳	بانک بازسازی و توسعه اروپا (۲۰۱۰)	دموکراسی چندحزبی، حاکمیت قانون، احترام به حقوق بشر، اقتصاد بازار
۱۴	بانک جهانی (۲۰۱۰)	حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و مقابله با خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، قانون‌مداری، کنترل فساد
۱۵	سازمان ملل (۲۰۱۰)	مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اجماع محوری، عدالت، حق اظهار نظر، کارایی و اثربخشی
۱۶	کافمن و همکاران (۲۰۱۰)	پاسخگویی و اظهار نظر، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌گری، حاکمیت قانون، مهار فساد
۱۷	هاتر و شاه (۲۰۱۰)	مشارکت شهروندان، دولت محوری، توسعه اجتماعی، مدیریت اقتصادی
۱۸	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۱)	پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، چشم انداز محوری، حاکمیت قانون، اثربخشی و کارآمدی
۱۹	یورگنسن و سورنسن (۲۰۱۲)	منفعت عمومی، منزلت رژیم، وفاداری سیاسی، شفافیت، بی‌طرفی، انصاف، کارایی، پاسخگویی، مشروعیت
۲۰	تان (۲۰۱۲)	شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، نمایندگی، انصاف و برابری، اثربخشی و کارآمدی، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، تعهد نسبت به آیندگان
۲۱	تان و استایفل (۲۰۱۲)	آزادی سیاسی، مشارکت شهروندی، تمامیت و صداقت، شفافیت، پاسخگویی، توازن قدرت میان نهادهای سیاسی
۲۲	جوبیز (۲۰۱۴)	تعهد عمیق به انسجام، ارزش‌های اخلاقی و اجرای قانون، اظهار نظر و مشارکت جامع ذینفعان، تعریف پیامدها و نتایج بر طبق منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، تعیین مداخله‌های الزام برای بهینه‌سازی تحقق پیامدهای مورد نظر، افزایش ظرفیت نهادها از جمله ظرفیت رهبری و ظرفیت کارکنان، مدیریت ریسک‌ها و عملکرد از طریق کنترل داخلی و مدیریت مالی عمومی قوی، اجرای اقدامات مطلوب در باب شفافیت، گزارش‌گری
۲۳	بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)	اظهار نظر و پاسخگویی، کنترل فساد، حاکمیت قوانین، شفافیت، ثبات سیاسی و کنترل خشم، اثربخشی و کارایی، کیفیت قوانین، مشارکت، عدالت، چشم‌انداز، برنامه‌ریزی
۲۴	بانک جهانی (۲۰۲۰)	پاسخگویی و اظهار نظر، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، نهادهای حاکم، حاکمیت قانون، مهار فساد

ردیف	محققان	ابعاد/مؤلفه‌های حکمرانی
۲۵	حندیو (۲۰۲۳)	حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد
۲۶	هندیانی و همکاران (۲۰۲۳)	شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، استقلال، انصاف
۲۷	قانون اساسی	حاکمیت قانون، عدالت و برابری، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، مشارکت، شفافیت
۲۸	معمارزاده و همکاران (۱۳۸۹)	اثربخشی، کارایی، تعادل اکولوژیک
۲۹	عیوضی و مرزبان (۱۳۹۶)	حاکمیت قانون، مشارکت، عدالت‌جویی، اعتمادسازی، پاسخگویی
۳۰	منوریان و همکاران (۱۳۹۸)	عوامل علی (فرهنگ مشارکت، قدرت‌های سیاسی، قوانین بالادستی و شکل‌های مردمی) عوامل زمینه‌ای (زیرساخت‌های فرهنگی، زیرساخت‌های قانونی، اعتمادسازی، حمایت‌های دولت، آموزش‌های رفتاری، ظرفیت‌های تیمی و زیرساخت‌های شبکه‌سازی)، عوامل مداخله‌گر (موانع مدیریتی، موانع فرهنگی و اجتماعی، موانع سازمانی، معضلات راهبردی و قانونی) راهبردها (توسعه کانال‌های اطلاعات و پوشش محیطی، تقویت زیرساخت‌های تحقیق و توسعه، توسعه شبکه‌های همکاری جهت ارزیابی و انتخاب طرح‌ها، برون‌سپاری و توسعه مشارکت‌های شهروندی در تصمیم‌گیری‌ها)، پیامدها (کارآمدی اقتصادی، توسعه استراتژیک خدمات شهری و اثربخشی سازمانی)
۳۱	اکبری و همکاران (۱۳۹۸)	تدوین خط‌مشی، شفافیت قوانین، ساختار مدیریت نامتمرکز، ظرفیت‌سازی کنترل، حذف مقررات زائد، سنجش کیفیت خدمات، تغییرات بازار، سنجش کیفیت CRM، ارزش‌محوری، فرهنگ‌سازی، جو سازمانی، برابرسازی فرصت‌ها، سیستم جبران خدمت، تسهیل HRMS، درونی‌سازی، تعهد سازمانی
۳۲	باقرزاده و همکاران (۱۳۹۹)	پاسخگویی و شفافیت، عدالت اجتماعی، قانون‌محوری اخلاقی، مشارکت‌گرایی، فسادستیزی
۳۳	مرتضوی و همکاران (۱۴۰۱)	انسجام و یکپارچگی، قانون‌گرایی، پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، استقلال
۳۴	پیغان و همکاران (۱۴۰۱)	اظهارنظر و پاسخگویی، کیفیت قوانین، کنترل فساد، حاکمیت قوانین، شفافیت، چشم‌انداز و برنامه‌ریزی، اثربخشی و کارایی، اخلاق محوری، مسئولیت‌پذیری، اعتمادمحوری، عدالت، فقرزدایی، رشد اقتصادی، مشارکت، توسعه نهادی، شایسته‌سالاری، اعتمادمحوری و ثبات سیاسی و خشم
۳۵	براتلو (۱۴۰۱)	مؤلفه‌های منابع انسانی (ارتباطات، سرمایه اجتماعی، سرمایه فکری، توانمندسازی و اعتماد سازمانی)، ساختار حکمرانی (رهبری، مدیریت، پاسخگویی، شفافیت، قانونمندی، عدالت‌محوری، مشارکت‌جویی) و ساختار سازمانی (استراتژی، اداره سازمان، فناوری، یادگیری سازمانی، فرهنگ و عملکرد)
۳۶	سهرابی و همکاران (۱۴۰۲)	اثربخشی، اجرای قوانین، تصویب قوانین، توافق جمعی، شفافیت، عدالت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و پاسخگویی

به‌طور کلی نگاهی به پیشینه تحقیقاتی انجام شده در حوزه قلمرو موضوعی پژوهش نشان

می‌دهد که اکثریت صاحب‌نظران و نهادهای بین‌المللی به مؤلفه‌های پاسخگویی (ویس (۲۰۰۰)، کافمن (۲۰۰۳)، هایدن و همکاران (۲۰۰۴)، بانک جهانی (۲۰۰۵)، یورگنسن و سورنسن (۲۰۱۲)، تان (۲۰۱۲)، تان و استایفل (۲۰۱۲)، بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)، بانک جهانی (۲۰۲۰)، حندیو (۲۰۲۳)، هندیانی و همکاران (۲۰۲۳)، حاکمیت قانون (سازمان ملل (۲۰۱۰)، کافمن و همکاران (۲۰۱۰)، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۱)، بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)، بانک جهانی (۲۰۲۰)، حندیو (۲۰۲۳)، عیوضی و مرزبان (۱۳۹۶)، شفافیت (الهی (۲۰۰۵)، سازمان ملل (۲۰۱۰)، یورگنسن و سورنسن (۲۰۱۲)، تان (۲۰۱۲)، تان و استایفل (۲۰۱۲)، جویب (۲۰۱۴)، بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)، هندیانی و همکاران (۲۰۲۳)، مشارکت (هایدن و همکاران (۲۰۰۴)، الهی (۲۰۰۵)، اتحادیه اروپا (۲۰۰۶)، هاتر و شاه (۲۰۱۰)، تان (۲۰۱۲)، تان و استایفل (۲۰۱۲)، جویب (۲۰۱۴)، بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)، کارایی و اثربخشی (راستین و تنورل (۲۰۰۸)، بانک جهانی (۲۰۱۰)، سازمان ملل (۲۰۱۰)، کافمن و همکاران (۲۰۱۰)، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۱)، یورگنسن و سورنسن (۲۰۱۲)، تان (۲۰۱۲)، بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)، بانک جهانی (۲۰۲۰)، حندیو (۲۰۲۳)) اتفاق نظر داشتند اما در مدل‌های طراحی شده به دو مؤلفه عدالت و مبارزه با فساد (مرتضوی و همکاران (۱۴۰۱)، هندیانی و همکاران (۲۰۲۳)، بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)، تان و استایفل (۲۰۱۲)، جویب (۲۰۱۴) و تان و استایفل (۲۰۱۲)) توجه کمتری شده است. همچنین در تعداد کمی از مدل‌های طراحی شده برخی عوامل زمینه‌ای تبیین شده است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۱) و بیسواس و همکاران (۲۰۱۸))، با این حال، در کمتر پژوهشی به ارائه مدل جامع حکمرانی مطلوب با در نظر گرفتن سایر عوامل بسترساز و زمینه‌ای پرداخته شده است که نشان از خلاء تحقیقاتی در این حوزه و نوآوری پژوهش حاضر از نظر قلمرو موضوعی پژوهش دارد.

حکمرانی مطلوب در دیوان محاسبات

دیوان محاسبات کشور به عنوان ناظر از سوی مردم و نهاد متولی نظارت دموکراتیک بر مخارج و عملکرد دستگاه‌های اجرایی می‌باشد و مأموریت آن، کمک به ارتقای شفافیت، برقراری انضباط مالی، اطمینان از حساب‌دهی و پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی، گره‌گشایی اقتصادی برای بهبود شرایط جامعه و رفاه مردم و نیل به حاکمیت مطلوب می‌باشد و به عنوان یک دستگاه حاکمیتی، بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی نظارت می‌کند و در راستای پاسداری از بیت‌المال و افشای به موقع تخلفات، اعتمادآفرینی ملی و استفاده مناسب، کارآمد و اثربخش از امکانات، اموال و وجوه عمومی ایفای نقش می‌کند. اعمال نظارت مطلوب بر هزینه‌کرد بودجه سالانه، نقش حساس و کلیدی در اداره کشور و حکمرانی مطلوب و به تبع آن ارتقاء همه‌جانبه امور را دارد. قانون خوب، بودجه‌ریزی دقیق و نظارت کافی را می‌توان به عنوان سه ضلع قلمداد کرد که نقش کلیدی در حکمرانی مطلوب کشور ایفا می‌کنند، از این‌رو نقش دیوان محاسبات در حکم بازوی نظارتی قوه مقننه بسیار اثرگذار و تعیین‌کننده است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی؛ از نظر نوع داده، پژوهش کیفی و از جهت استراتژی اجرای پژوهش، توصیفی از نوع اکتشافی می‌باشد و با رویکرد استقرایی انجام شده است. جهت گردآوری داده‌ها، از روش مطالعات کتابخانه‌ای (شامل کتاب‌ها، مقالات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق و پایگاه‌های اطلاعاتی Elsevier، ScienceDirect & ...، و روش میدانی (مصاحبه نیمه ساختاریافته) استفاده شده است. جهت شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل تعالی حکمرانی مطلوب در دیوان محاسبات کشور ابتدا ادبیات نظری و پژوهشی مورد بررسی قرار گرفت و سپس برای تدوین یک الگوی جامع و بومی از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد. دلیل استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته این است که علاوه بر آنکه امکان تبادل نظرات و تفکر وجود دارد، می‌توان بحث و موضوع مصاحبه را در جهت دستیابی به اهداف پژوهش هدایت نمود، همچنین در طول فرایند مصاحبه امکان مشاهده احساسات و رسیدن به باورها و اعتقادات مصاحبه‌شوندگان درباره موضوع پژوهش نیز وجود خواهد داشت (ساروخانی، ۱۳۸۴). جامعه آماری پژوهش، خبرگان دیوان محاسبات کشور به تعداد ۲۰ نفر هستند و از آن جایی که خبرگان و نخبگان در زمینه حکمرانی به راحتی قابل شناسایی نیستند، از این‌رو، از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی استفاده شد و اولین نمونه بر اساس قضاوت و نظر کارشناسی محقق انتخاب شد و پس از شناسایی اولین نمونه، از آن برای شناسایی و انتخاب دومین واحد نمونه‌گیری استفاده شد و به همین ترتیب واحدهای دیگر نمونه شناسایی و انتخاب شدند و نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند اکتشاف و تجزیه تحلیل به نقطه اشباع نظری رسید. معیارهای خبرگان و نخبگان جهت شرکت در مصاحبه شامل دارا بودن حداقل ۱۵ سال پست مدیریتی، دارا بودن دانش و تخصص بالا و سابقه پژوهش در حوزه حکمرانی می‌باشد. جهت تجزیه تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، از روش تحلیل مضمون (تم) که توسط براون و کلارک (۲۰۰۶) ارائه شده و برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (مضامین) موجود درون داده‌ها می‌باشد، استفاده شده است. پژوهش از نظر مقطع زمانی، تک‌مقطعی است و در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ انجام شده است.

یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در بخش روش شناسی گفته شد در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه و احصاء و استخراج مضامین و مقوله‌های حکمرانی مطلوب، از روش تحلیل مضمون (تم) استفاده شده است که شامل شش گام اجرایی می‌باشد؛ در ابتدا محقق تلاش کرد گزاره‌های کلامی حاصل از مصاحبه با خبرگان را جمع‌بندی کرده و پس از چندین مرحله مطالعه و غوطه‌ور شدن در داده‌های احصا شده، آشنایی با آنان را کسب نماید (مرحله اول؛ آشنایی با داده‌ها). در مرحله دوم تلاش شد تا به استخراج مفاهیم در طی فرآیند مقوله‌بندی گزاره‌های کلامی پرداخته شود و در ادامه به کدگذاری مفهوم‌ها به روش دستی پرداخته شود (مرحله دوم؛ کدگذاری اولیه). به طور کلی در طی این فرآیند در مجموع از بین گزاره‌های کلامی

مصاحبه‌شوندگان که در طول مصاحبه به آنان اشاره کرده بودند، تعداد گزاره کلامی گزینشی استخراج گردید و کدگذاری آن‌ها صورت گرفت. در مرحله سوم که به نام کدگذاری گزینشی نیز معروف است تلاش شد تا با بررسی کدهای اولیه داده شده به هریک از مفاهیم و حذف مفاهیم مشابه، ناقص و نامرتبط با موضوع، تعدادی مفاهیم گزینشی یا مضامین پایه احصاء شود (مرحله سوم؛ جستجوی تم‌ها). در نهایت تعداد ۲۰ کد گزینشی یا مضامین پایه احصاء گردید. در مرحله چهارم محقق با انجام بازبینی مجدد در بین مفاهیم گزینشی، تلاش نمود تا به دسته‌بندی مضامین پایه (بر اساس محتوا و ظاهر) در قالب دسته‌های کلی‌تر بپردازد (مرحله چهارم: بازبینی تم‌ها). مبتنی بر یافته‌های این گام، در نهایت تعداد ۵ مضمون سازمان‌دهنده ایجاد شد. همچنین به منظور سنجش اعتبار مقوله‌های فرعی استخراج شده در این مرحله، به بازنگری رفت و برگشتی از مرحله اول تا چهارم بر اساس مجموعه داده‌ها پرداخته شد تا اعتبار محتوایی مضامین سازمان‌دهنده احصاء شده حاصل گردد. در مرحله پنجم نیز محقق با اجرای اعمال رفت و برگشتی در میان مقوله‌های فرعی (مضامین سازمان‌دهنده)، در پی دسته‌بندی آن‌ها در مقوله‌های سطح بالاتر (تم‌های اصلی) برآمد. مضامین سازمان‌دهنده در قالب ۲ مقوله کلی‌تر با عنوان مضامین فراگیر دسته‌بندی شدند و در این مرحله به نامگذاری مقوله‌های اصلی یا مضامین فراگیر پرداخته شد (مرحله پنجم؛ تعریف و نامگذاری تم‌ها). مرحله پایانی تحلیل مضمون (تم) نیز شامل ارائه گزارش نهایی است که در نهایت این بخش منتج به ارائه مضامین و مقوله‌های مدل حکمرانی مطلوب در دیوان محاسبات کشور شد (مرحله ششم؛ گزارش‌دهی). نتایج تجزیه و تحلیل مضمون در جدول (۲) ارائه شده است.

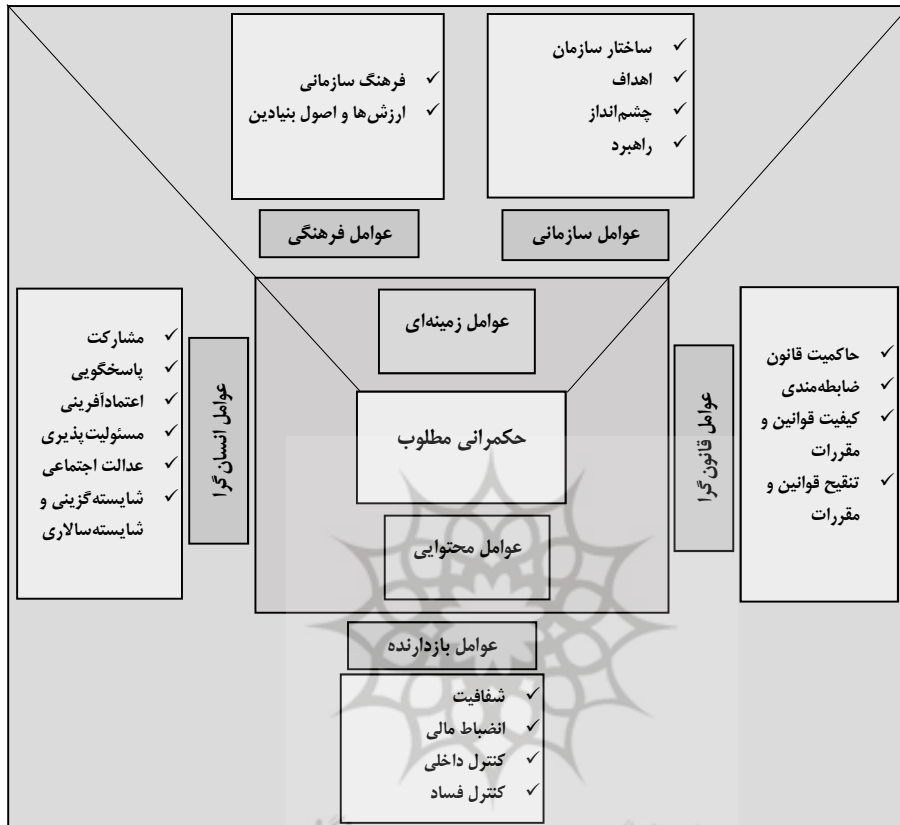
جدول ۲. کدها و مقوله‌های شناسایی شده مدل حکمرانی مطلوب (منبع: یافته‌های پژوهش)

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
ساختار سازمان (A11)	عوامل آرمان‌گرا (A1)	عوامل زمینه‌ای (بافتاری) (A)
چشم‌انداز سازمان (A12)		
اهداف کلان (A13)		
راهبرد (A14)	عوامل فرهنگی (A2)	
فرهنگ سازمانی (A21)		
ارزش‌ها و اصول بنیادین فرهنگی (A22)		

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
حاکمیت قانون (B11)	عوامل قانون‌گرا (B1)	عوامل محتوایی (B)
تنقیح قوانین و مقررات (B12)		
ضابطه‌مندی (B13)		
کیفیت قوانین و مقررات (B14)		
شفافیت (B21)	عوامل بازدارنده (B2)	
انضباط مالی (B22)		
کنترل داخلی (B23)		
کنترل فساد (B24)		
پاسخگویی (B31)	عوامل انسان‌گرا (B3)	
اعتماد آفرینی (B32)		
عدالت اجتماعی (B33)		
مشارکت (B34)		
مسئولیت‌پذیری (B35)		
شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری (B36)		

بر اساس مطالعات اکتشافی و داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان و نخبگان دیوان محاسبات کشور مدل تعالی حکمرانی مطلوب در دیوان محاسبات کشور به صورت شکل (۱) است.

شکل ۱. مدل تعالی حکمرانی مطلوب دیوان محاسبات کشور



(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

حرکت به سمت حکمرانی مطلوب یکی از دغدغه‌های نظام اسلامی، یک ایده جدید حاکمیتی بود که بدون هیچ‌گونه تجربه‌ای در سده‌های اخیر با تکیه بر اندیشه حکمرانی رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) بنیان‌گذاری شده و البته توانسته است موفقیت‌های بی‌بدیلی را به دست آورد. حکمرانی مطلوب، برداشتی از حقوق و سیاست را در اختیار می‌گذارد که بر منافع مشترک ذینفعان بخش خصوصی و عمومی متکی است. با توجه به نتایج مطالعات و مصاحبه اکتشافی با نخبگان و خبرگان دیوان محاسبات کشور، مدل تعالی حکمرانی مطلوب دارای دو بعد عوامل زمینه‌ای و عوامل محتوایی می‌باشد. مؤلفه‌ها و شاخص‌های عوامل زمینه‌ای شامل عوامل سازمانی (ساختار سازمان، چشم‌انداز سازمان، اهداف کلان و راهبرد) و عوامل فرهنگی (فرهنگ سازمانی، ارزش‌ها و اصول بنیادین فرهنگی) می‌باشد. مؤلفه‌ها و شاخص‌های عوامل محتوایی شامل عوامل

قانونی (حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، ضابطه مندی، تنقیح قوانین و مقررات)، عوامل بازدارنده (شفافیت، انضباط مالی، کنترل داخلی و کنترل فساد) و عوامل فردی (پاسخگویی، عدالت اجتماعی، مشارکت، اعتماد آفرینی، مسئولیت پذیری، شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری) می‌باشد. در گام اول برای تحقق حکمرانی مطلوب، فراهم بودن زمینه‌های ساختاری نظیر ایجاد ساختار سازمانی انعطاف‌پذیر از اهمیت بسیاری برخوردار است، همچنین توجه به بسترسازی فرهنگی نیز ضروری است. فرهنگ سازمانی به عنوان مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های مشترک است که بر رفتار و اندیشه اعضای سازمان اثر می‌گذارد و می‌تواند نقطه شروعی برای حرکت و پویایی و یا مانعی در راه پیشرفت به شمار آید. حکمرانی مطلوب بعنوان یک ارزش محوری باید به تدریج در فرهنگ جاری سازمان نهادینه گردد. شاخص‌های ساختار سازمان، چشم‌انداز، اهداف کلان و راهبرد با اجزاء شناسایی شده در پژوهش‌های (بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)، آیینی (۲۰۲۲)، براتلو (۱۴۰۱)، پیغان و همکاران (۱۴۰۱)، منوریان و همکاران (۱۳۹۸)، اکبری و همکاران (۱۳۹۸)) همسو است. شاخص‌های فرهنگ سازمانی، ارزش‌ها و اصول بنیادین فرهنگی با اجزاء شناسایی شده در پژوهش‌های (منوریان و همکاران (۱۳۹۸)، اکبری و همکاران (۱۳۹۸)، براتلو (۱۴۰۱)) همسو می‌باشد.

دیوان محاسبات کشور همواره به دنبال بهترین سازوکار کاربردی جهت اعمال نظارت بر عملکرد مالی دولت بوده است، زیرا وجود نظارت دقیق، صحیح، قاطع، صریح و کارآمد در سیستم دولتی از جمله عواملی است که می‌توانند حفظ و صیانت از بیت‌المال و همچنین نیل به حاکمیت مطلوب را به همراه داشته باشد. پیگیری برای حکمرانی مطلوب، از وظایف اصلی دیوان محاسبات است، این نهاد نظارتی برای تحقق این هدف مهم، شفافیت و انضباط مالی را که در گرو هماهنگی و همراهی مدیران جهادی دیوان محاسبات کشور است را شعار محوری خود قرار داده تا با پیشگیری از فساد، کشف و افشای به موقع و برخط تخلفات در اعتماد آفرینی ملی ایفای نقش کند. از دیگر شاخص‌های حکمرانی مطلوب، کنترل داخلی و کنترل فساد می‌باشند. دیوان محاسبات، اصلی‌ترین نهاد نظارتی کشور در بخش کنترل مالی عمومی است که براساس اصل ۵۴ قانون اساسی، به عنوان نهاد تخصصی و فنی در امور مالی کشور عمل می‌کند؛ همچنین براساس اصل ۵۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، دیوان محاسبات به تمام حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌ها به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد، رسیدگی یا حسابرسی می‌کند و از برنامه‌های اولویت‌دار دیوان محاسبات، موضوع پیشگیری از وقوع تخلفات است که با پیشگیری می‌تواند از وقوع بسیاری از تخلفات جلوگیری کند. شاخص‌های شفافیت، انضباط مالی، کنترل داخلی و کنترل فساد با اجزاء شناسایی شده در پژوهش‌های (سازمان ملل (۲۰۱۰)، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۱)، یورگنسن و سورنسن (۲۰۱۲)، تان و استایفل (۲۰۱۲)، جویبیز (۲۰۱۴)، بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)، بانک جهانی (۲۰۲۰)، هندیانی و همکاران (۲۰۲۳)، حندیو (۲۰۲۳)، قانون اساسی، اکبری و همکاران (۱۳۹۸)، باقرزاده و همکاران (۱۳۹۹)، مرتضوی و همکاران (۱۴۰۱)، پیغان و همکاران (۱۴۰۱)، براتلو (۱۴۰۱)، سهرابی و

همکاران (۱۴۰۲)) همسو است.

بر طبق نتایج پژوهش، عدالت اجتماعی از دیگر شاخص‌های حکمرانی مطلوب است که دیوان محاسبات کشور همواره از تصمیماتی که به نفع مردم و به خصوص اقشار مستضعف باشد، حمایت می‌کند و با توجه به اینکه کشور، سرشار از منابعی است که می‌توان با بهره‌گیری از آن‌ها بسیاری از مشکلات را حل کرد، برای تحقق این امر باید در برخی تصمیم‌گیری‌هایی که در گذشته اتخاذ شده، تجدیدنظر شود تا با مدیریت صحیح و بهینه بتوان فضایی به وجود آورد که در تمامی بخش‌ها، کارآمدی بروز و ظهور داشته باشد. همچنین بر طبق نتایج پژوهش، شاخص‌های پاسخگویی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اعتمادآفرینی، شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی می‌توانند در ایجاد حکمرانی مطلوب مؤثر باشند. پاسخگویی، با گزارشگری اثربخش قابل دستیابی است و باید نشان‌دهنده دو بعد تطابق (رعایت الزامات قانونی و مقرراتی، استانداردهای مصوب و انتظارات جامعه) و عملکرد (نیز بیانگر عملکرد کلی و ارائه نتایج و بازخوردهای سازمانی) باشد. دیوان محاسبات کشور به عنوان نماینده قانونی مردم به وسیله نظام حسابرسی و ارزیابی عملکرد بخش عمومی در چارچوب قوانین و مقررات موضوعه و اصول و استانداردهای حسابرسی دولتی نسبت به گزارش‌های مالی و عملیاتی استخراج شده از سیستم حسابداری دولتی، رسیدگی و اظهارنظر نموده و در قالب گزارش‌های حسابرسی، زمینه را برای ارزیابی، قضاوت و اقدام در مورد عملکرد دولت و نهادهای بخش عمومی توسط مردم و نمایندگان آنان فراهم می‌کند؛ گزارش‌های دیوان محاسبات باید بر مبنای اصل شفافیت، انضباط مالی و مسئولیت پاسخگویی باشد و این وظیفه مهم را با بهره‌گیری از ظرفیت و توان فنی و تخصصی و کارکنان شایسته به انجام می‌رساند، همچنین دیوان محاسبات کشور با لحاظ قوانین و مقررات، به منظور ایفای مسئولیت پاسخگویی، اطلاعات مربوط به خود را در دسترس عموم قرار می‌دهد. شاخص‌های پاسخگویی، عدالت اجتماعی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اعتمادآفرینی، شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی با اجزاء شناسایی شده در پژوهش‌های (الهی (۲۰۰۵) راستین و تئورل (۲۰۰۸)، سازمان ملل (۲۰۱۰)، هاتر و شاه (۲۰۱۰)، بانک جهانی (۲۰۱۰)، کافمن و همکاران (۲۰۱۰)، تان (۲۰۱۲)، تان و استایفل (۲۰۱۲)، جوبیز (۲۰۱۴)، یورگنسن و سورنسن (۲۰۱۲)، تان (۲۰۱۲)، بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)، بانک جهانی (۲۰۲۰)، هندپانی و همکاران (۲۰۲۳)، حندیو (۲۰۲۳)، قانون اساسی، عیوضی و مرزبان (۱۳۹۶)، اکبری و همکاران (۱۳۹۸)، منوریان و همکاران (۱۳۹۸)، باقرزاده و همکاران (۱۳۹۹)، پیغان و همکاران (۱۴۰۱)، براتلو (۱۴۰۱)، سهرابی و همکاران (۱۴۰۲)) همسو می‌باشد.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، ضابطه مندی، تقیح قوانین و مقررات از دیگر شاخص‌های حکمرانی مطلوب می‌باشند. حاکمیت قانون، اصلی‌ترین شاخصه ارزیابی عملکرد مالی دولت در نظام‌های حقوقی قانون‌مدار تلقی می‌شود. از این‌رو تطبیق هزینه‌کرد درآمدها و منابع عمومی براساس اصول و موازین قانونی، کارویژه اصلی مؤسسات عالی حسابرسی به‌عنوان بخش مهمی از سیستم نظارتی است. معیار حاکمیت قانون

همچنان سنگ بنای فعالیت‌ها است و همه اهداف دیگر باید از این رهگذر تأمین شود. دیوان محاسبات پاسدار حاکمیت قانون در امور مالیه عمومی است که از طریق نظارت به این مهم مشغول است. شاخص‌های حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، ضابطه‌مندی و تنقیح قوانین و مقررات با اجزاء شناسایی شده در پژوهش‌های (کافمن و همکاران (۲۰۱۰)، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۱)، بیسواس و همکاران (۲۰۱۸)، بانک جهانی (۲۰۲۰)، حندیو (۲۰۲۳)، عیوضی و مرزبان (۱۳۹۶)، قانون اساسی، مرتضوی و همکاران (۱۴۰۱)، پیغان و همکاران (۱۴۰۱)، براتلو (۱۴۰۱)، سهرابی و همکاران (۱۴۰۲)) همسو است. در راستای بهبود شاخص‌های حکمرانی مطلوب پیشنهاد زیر ارائه می‌شود:

- فراهم کردن بستر و شرایط مناسب برای پیاده سازی مدل پیشنهادی نظیر ایجاد ساختار سازمانی انعطاف‌پذیر.
- فراهم کردن زیرساخت‌های فرهنگی در خصوص ایجاد حکمرانی مطلوب.
- فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی جمعی نسبت به منافع و نتایج شفافیت.
- فراهم کردن ابزارهای تسهیل دسترسی شهروندان به اطلاعات و آگاهی آن‌ها از مکانیسم‌های تصمیم‌گیری.
- فراهم کردن سازوکارهایی جهت حضور و نقش‌آفرینی عموم شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مختلف.
- با توجه به این که مؤسسات عالی حسابرسی از طریق نظارت بر عملکرد مالی دستگاه‌های اجرایی بر معیار قوانین و مقررات نقش اساسی در حاکمیت قانون به ویژه در حوزه قوانین مالی ایفا می‌کنند، نظارت کارآمد بر دخل و خرج دولت در جهت تحقق حکمرانی مطلوب پیشنهاد می‌گردد.
- اصلاح و ارتقای کیفیت قوانین و مقررات.
- ایجاد سازوکار صحیح پاسخگویی مالی و تدوین معیارهای اصولی در ارزیابی مسئولیت پاسخگویی مسئولان دستگاه‌های اجرایی.
- پاسخگو بودن نهادهای دولتی، بخش خصوصی و نهادهای مدنی نسبت به فعالیت‌های خود و عموم مردم.
- تصویر شفاف از درآمد دولت ایجاد شود و دولت درآمدهای خود را شفاف اعلام کند.
- ارائه گزارشات مالی قابل فهم برای عموم مردم در راستای ارتقای انضباط و شفافیت مالی.
- رعایت عدالت اجتماعی در سه حوزه حقوقی، اقتصادی و قضائی (رعایت اصل شایسته‌سالاری در تمام سطوح مدیریتی، تأسیس نظام تعاون و تأمین رفاه اجتماعی در جهت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، ایجاد تحول در نظام وقف، گسترش فرهنگ وقف و بهره‌برداری بهینه از آن در راستای تحقق عدالت اجتماعی)
- جهت کاهش فساد، نظارت مطلوب بر فرآیندها، اصلاح ساختار اداری، اصلاح ساختار بودجه، اصلاح سیستم پرداخت حقوق و دستمزد، بهبود وضعیت معیشت مدیران و کارکنان، ارائه آمار

دقیق در رابطه با وقایع فساد و مدیریت تعارض منافع پیشنهاد می‌گردد.

این پژوهش نیز مانند هر پژوهش دیگری محدودیتی دارد؛ پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنی نیست، با توجه به این که پژوهش حاضر از نوع کیفی و با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انجام شده است، در چنین پژوهش‌هایی، هدف، بیش از آن که تعمیم نتایج و ایجاد قانونی فراگیر باشد، ادراک و توصیف عمیق پدیده مورد مطالعه در محیط یگانه خود است و این واقعیت، از تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش و قابلیت به کارگیری در سایر محیط‌های مشابه می‌کاهد، بنابراین نتایج این پژوهش قابلیت تعمیم کمتری دارد. متناسب با این محدودیت تحقیق، به پژوهش‌گران آتی پیشنهاد می‌شود الگوی حکمرانی مطلوب در سایر سازمان‌ها طراحی شود. بعلاوه، طراحی مدل حکمرانی مطلوب با رویکرد نظارت محور نیز به پژوهش‌گران پیشنهاد می‌گردد. همچنین مقایسه و ارزیابی این مدل طراحی شده با مدل‌های به دست آمده توسط سایر پژوهش‌گران می‌تواند حاوی نکاتی جهت تأمل بیشتر باشد، از رهگذر مطالعات تطبیقی دستاوردها، پژوهش‌گران می‌توانند به آسیب‌شناسی چارچوب ادراکی ارائه شده پرداخته و آن را توسعه دهند.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. اکبری، زهرا، حکاک، محمد، وحدتی، حجت‌الله و نظرپوری، هوشنگ (۱۳۹۸). طراحی الگوی سه شاخگی حکمرانی خوب در سازمان‌های چند سطحی، مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۰(۴۰)، ۱۷۵-۲۰۱
۲. امامی، محمد و شاکری، حمید (۱۳۹۴). حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۲۱(۲)، ۲۵-۵۷
۳. باقرزاده، محمدسعید، طبری، مجتبی، مجیبی، تورج، باقرزاده، محمدرضا و مهدیزاده اشرفی، علی (۱۳۹۹). طراحی و تبیین مدل حکمرانی خوب برای ادارات کل کتابخانه‌های عمومی کشور. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۱۱(۱)، ۲۸۹-۳۱۰
۴. براتلو، فاطمه (۱۴۰۱). شناخت چارچوب مفهومی حکمرانی سازمانی با استفاده از روش فراترکیب، حکمرانی توسعه، ۳(۱)، ۱۲۱-۱۴۴
۵. پیغان، وحید، یعقوبی، نورمحمد و کیخا، عالمه (۱۴۰۱). شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر حکمرانی خوب با رویکرد توسعه پایدار، پژوهش‌های مدیریت عمومی. ۱۵(۵۵)، ۹۳-۱۲۳
۶. توکلی، غلامرضا، بابایی، سحر و سجادی، علیرضا (۱۳۹۹). تبیین و تحلیل شاخص‌های حکمرانی خوب در ودجا. مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۹(۸۷)، ۷۳-۱۰۲
۷. رزمی، محمدجواد، صدیقی، سمیه (۱۳۹۱). الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی. چهارمین همایش ملی اقتصاد.
۸. ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۹. سهرابی، شهلا، پریراد، میلاد و سلیمی، غلامرضا (۱۴۰۲). طراحی مدل حکمرانی شهری (مورد مطالعه: شهرداری تهران)، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، پذیرفته شده انتشار آنلاین از تاریخ ۰۶ خرداد ۱۴۰۲
۱۰. عیوضی زاده، محمدرحیم، مرزبان، نازنین بررسی مولفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)، ۵(۱۹)، ۱۱۷-۱۲۷
۱۱. قانون اساسی کشور مصوب ۱۳۵۸.

۱۲. مرتضوی، مهدی، محمدی دوست، حسین و دشتی، راضیه (۱۴۰۲). طراحی الگوی حکمرانی نظام وقف در ایران (با تأکید بر نقش امنا). پژوهشنامه مطالعات وقف و امور خیریه. ۱(۱)، ۱۸۱-۲۰۸
۱۳. معمارزاده، غلامرضا، جاسبی، جواد و نفری و ندا (۱۳۸۹)، حکمرانی خوب: اکولوژی متعادل، نشریه آینده پژوهی مدیریت، ۲۱(۸۴)، ۲۱-۴۵
۱۴. منوریان، عباس، نرگسیان، عباس و حسینی مکارم، عاطفه (۱۳۹۸)، طراحی مدل حکمرانی شبکه ای در شهرداری تهران، فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، ۷(۳)، ۱۰۹-۱۲۳

ب- منابع خارجی:

- Aini, N. Setyadi, D. & Fitriadi (2022). The Effect of Organizational Structure and Readiness for Change to Employee Engagement and Good Governance in Cooperative, SMEs and Industry Service Samarinda. *Saudi J Bus Manag Stud*, 7(9): 238-249.
- Bevir, M. (2012). *Governance: A very short introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Biswas a, R. Jana a, A. Arya b, K. & Ramamritham, K. (2019). Accounting control, governance and anti-corruption initiatives in public sector organisations. *Journal of Urban Management*, 8(2), 225-236
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology, *qualitative research in psychology journal*, 2, 123-140
- Escribano, G., Paredes-Gazquez, J., & San-Martín, E. (2020). The European Union and the good governance of energy resources: Practicing what it preaches?. *Energy Policy*, 147, 111884.
- Elahi, K. Q. (2005). Economic Inequality and Paretian Welfare Economics: Some Insinuatins, *Questions*. BRAC University Dhaka, Bangladesh, *FSSE* 35, 19-36
- European Union (2006). *The European Consensus on Development*. Official Journal of European Union, C46.
- Foly, C. F., Goldsmith Pinkham, P. Greenstein, J., & Zwick, E. (2018). Opting out of good governance. *Journal of Empirical Finance*. 46, 93-110
- Handayani a, E. Garadb, A, Suyadi c, A., & Tubaštuvı, N. (2023). Increasing the performance of village services with good governance and participation, *World Development Sustainability*, 3.
- Handoyo, S. (2023). *Worldwide governance indicators: Cross country data set 2012-2022*, *Data in Brief*, 51, <https://doi.org/10.1016/j.dib.2023.109814>
- Hill, C. J., & Lynn Laurence, E. (2005). Is Hierarchical Governance in Decline? Evidence from Empirical Research. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 15(2), 173-195
- Hopper, T. (2017). Neopatrimonialism, good governance, corruption and accounting in Africa. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, ISSN: 2042-1168
- Huther, J., & Shah, A. (2000). Applying a simple measure of good governance to the debate on fiscal decentralization, Available at: www.econ.worldbank.org.
- Hyden, G., Court, J., & Kenneth. M. (2004). *Making Sense of Governance: Empirical Evidence from Sixteen Developing Countries*. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- IMF (1997). *Good Governance: The IMF's Role*. International Monetary Fund.
- Jessop, B. (2003). Governance, governance failure and meta-governance. In: Getimis, P. and Kafkalas, G. (eds.), *Participatory governance and multi-level governance*, Leske & Budrich, 2002, 33-58
- Juiz, C., Guerrero, C., & Lera, I. (2014). Implementing Good Governance Principles for the Public Sector in Information Technology Governance Frameworks. *Open Journal of Accounting*, 3, 9-27 Published Online January 2014. Retrieved from: (<http://www.scirp>).

- org/journal/ojacct
18. Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). The Worldwide Governance Indicators Methodology and Analytical Issues. The World Bank Development Research Group Macroeconomics and Growth Team, Policy Research Working Paper, 1-31
 19. Kaufmann, D. (2003). Rethinking Governance: Empirical Lessons Challenge Orthodoxy. Washington, D.C.
 20. Keping, Y. (2018). Governance and Good Governance: A New Framework for Political Analysis. School of Government, Peking University, Beijing 100871, China, 1-8
 21. Lyall, C., & Tait, J. (2005). New Modes of Governance: Developing an Integrated Policy Approach to Science, Technology, Risk and the Environment, New York: Routledge (Taylor & Francis Group).
 22. Meuleman, L. (2008). Public Management and the Metagovernance of Hierarchies, Networks and Markets. The Netherlands: Physica-Verlag Heidelberg
 23. OECD (Organization for Economic Cooperation and Development). (2000). Directorate for Public Governance and Territorial Development. Principal Elements of Good Governance.
 24. OECD. (2011). Directorate for Public Governance and Territorial Development. Organization for Economic Cooperation and Development.
 25. Omri, A., & Mabrouk, N. B. (2020). Good governance for sustainable development goals: Getting ahead of the pack or falling behind?. *Environmental Impact Assessment Review*, 83
 26. Pomeranz, E. F., & Stedman, R. C. (2020). Measuring good governance: piloting an instrument for evaluating good governance principles. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 22(3), 428-440
 27. Thompson, G. (2010). Between hierarchies and markets: The logic and limits of network forms of organization. Oxford: Oxford University Press.
 28. Tonn, B. (2012). Futures of Governance. *Futures*, 44, 771-772.
 29. Tonn, B. & Stiefel, D. (2012). The Future of Governance and the Use of Advanced Information Technologies. *Futures*, 44, 812-822.
 30. UNDP, (1997). Governance for Sustainable Human Development: A UNDP Policy Document. New York: United Nations Development Program.
 31. Weiss, T. G. (2000). Governance, Good Governance and Global Governance: Conceptual and Empirical Challenges. *Third World Quarterly*, 21(5), 795-814.
 32. Wise, G, Dickinson C, Katan T. & Gallegos, M C. (2020). Inclusive higher education governance: managing stakeholders, strategy, structure and function. *Studies in Higher Education*, 45(2), 339-352.
 33. World Bank (1989). Sub-Saharan Africa: From Crises to Sustainable Development. Washington, D.C.: World Bank.
 34. World Bank, (2020), World Development Indicators. Retrieved from, <http://WorldBank.org/data/onlinedatabases.html>